



دوره ۴۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸
صفحات ۴۱ تا ۶۳

بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت؛ از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی در پارادایم ترمیمی

محمدعلی حاجی ده‌آبادی*

دانشیار دانشگاه قم

احسان سلیمی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۶/۲۵)

چکیده

با استقلال شخصیت مالی نسلی که به «بومیان شبکه» یا «بومیان دیجیتال» شهرت یافته‌اند، به صورت تصاعدی بر نرخ جرائم در فضای سایبر به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی افزوده شده است به گونه‌ای که مدل‌های جرم دستخوش تغییرات ناگهانی در نوع و مکان بزهکاری، سن و جنسیت بزهکاران و بزه‌دیدگان گردیده است. این پژوهش با روش تحقیق کیفی و با مبنا قرار دادن دو نظریه جرم‌شناسی، متکفل علت‌شناسی مسئله و ارائه پاسخ‌هایی متناسب با علل و عوامل بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت یا نسل شبکه است؛ جامعه آماری تحقیق، متشکل از ۱۰ بزه‌دیده و ۱۰ بزهکار نوجوان شبکه‌های اجتماعی است که با ابزار مصاحبه و مشاهده، اطلاعات لازم از میان آن‌ها جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بی‌احتیاطی در رفتارها و تعاملات مجازی، زمینه‌های بزه‌دیدگی نوجوانان (غالباً دختران) را فراهم می‌کند و توسل نوجوانان (غالباً پسران) به تقصیر بزه‌دیده و مجازی‌بودن رفتارها به تسهیل مسئولیت‌گریزی و بزهکاری آن‌ها می‌انجامد. نتیجه و نظریه این پژوهش آن است که در میان دو الگوی کیفری و ترمیمی، پاسخ‌های ترمیمی به بومیان دیجیتال، تناسب بیشتری با دلایل بزه‌دیدگی و بزهکاری دارد؛ چه آنکه پاسخ‌های ترمیمی به «هوشیاری سایبری» بزه‌دیده، «مسئولیت‌پذیری» بزهکار و «مشارکت» جامعه منفعل رایاسپهر منتج می‌شود.

واژگان کلیدی

فضای سایبر، جرائم سایبری، بزهکاری اطفال، شکاف میان‌نسلی، عمومی‌شدن بزهکاری، زنانه‌شدن بزه‌دیدگی، عدالت ترمیمی.

* dr_hajidehabadi@yahoo.com

مقدمه

در سال‌های اخیر، انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات، کمتر عرصه‌ای از حیات بشری را بدون تغییر رها کرده است. تأثیرات این فناوری در ابعاد مختلف زندگی بشر آن‌چنان گسترده بوده است که بعید نیست در آینده به‌سان پیدایش خط، تاریخ تمدن بشر به دو دوره پیش از پیدایش فناوری اطلاعات و پس از پیدایش آن تفکیک شود. حضور متناب افراد در دنیای واقعی و مجازی، حکایت از دوفضایی شدن (عاملی، ۱۳۹۰) یا پیدایش زیستگاه ثانویه برای افراد بشر با همه مختصات منحصره‌فرد خود، از قبیل فرازمانی و فرامکانی بودن، پویایی و دگر هویت‌پذیری، جذابیت بالا و کنترل‌پذیری محدود دارد. این فضا برای جوانان و نوجوانانی که در آغاز هزاره سوم و در عصر شکوفایی فناوری اطلاعات و ارتباطات، دوران رشد و تکوین شخصیت را طی کرده‌اند، به‌عنوان زیستگاه اول شناخته می‌شود؛ فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری را در این محیط تجربه کرده‌اند؛ اجتماعی شدن مجازی و زیست‌سایبری آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای قانونی اجتماعی را در نظر آن‌ها کم‌رنگ نموده تا جایی که در فرهنگ خود به بزهکاری به مثابه توانایی، زرنگی و تسلط می‌نگرند.^۱ با پیدایش این نسل، تعبیری نظیر «اعتیاد به فضای مجازی» که در معنای وابستگی زیاد به فضای مجازی به کار می‌رفت، معنا و مصداق خود را از دست داده و تعبیر دیگری که مفید درجه شدیدتری از پیوند و وابستگی بین این نسل و فضای مجازی است، نظیر نسل اینترنت^۲، بومی‌های شبکه اینترنت^۳ یا بومی‌های دیجیتال^۴ جایگزین شده‌اند.^۵ به دیگر سخن، نوجوانانی که بیشتر اوقات خود را در فضاهای مجازی می‌گذرانند، از مرحله ورود و خروج به فضای مجازی گذر کرده‌اند و به‌مثابه ساکنان یا بومی‌های فضای مجازی شناخته می‌شوند که گاه وارد فضاهای واقعی می‌شوند.

۱. نمونه این موضوع جرم‌هک است که در فرهنگ نوجوانان، این رفتار مجرمانه نشانه‌ای از توانایی و تسلط مرتکب است و کمتر تقبیح می‌شود.

2. Internet Generation

3. Network Native

4. Digital Native

۵. نسل اول و دوم معتادان به مواد مخدر صنعتی قابل سرزنش نیستند؛ چون زمانی درگیر این نوع جدید از اعتیاد شدند که مخاطرات اعتیاد را حتی اگر شنیده بودند، به چشم خود ندیده بودند؛ امروزه نیز خوف آن می‌رود که نابه‌سامانی‌های فضای سایبر، اخلاق و هنجارهای یک نسل را به انحراف بکشاند.

با استقلال شخصیتی مالی بومی‌های دیجیتال و رواج شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱، میزان بزه‌دیدگی و بزهکاری در فضای سایبر^۲ به‌شدت در حال افزایش است؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از جرائم در شبکه‌های اجتماعی، یا بزهکار یا بزه‌دیده از میان کاربران کم‌سن فضای سایبر هستند. از این‌رو دور از واقع نیست اگر گفته شود، چاره‌اندیشی برای معضل جرم در فضای سایبر و کاهش یا دست‌کم کنترل رقم بزهکاری و بزه‌دیدگی در این فضا در گرو علت‌شناسی بزه‌دیدگی و بزهکاری این دسته از کاربران است. به‌طور کلی دو مدل عمده برای پاسخ به بزهکاری و بزه‌دیدگی بومیان دیجیتال وجود دارد؛ مدل اول، همان مدل شناخته‌شده عدالت کیفری یا عدالت سزادهنده است. در گفتمان عدالت سزادهنده، کیفر با سازوکارهای اجرایی خاص خود به‌مثابه چاره معضل جرم نگریده می‌شود. مدل دیگر، راهبرد عدالت ترمیمی است که با روش‌ها و برنامه‌های مشخص و چاره‌های نامعلوم، بزهکار و بزه‌دیده و اجتماع را به حل بحران جرم فرامی‌خواند. تحقیق حاضر درصدد است با شناسایی علل و عوامل بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های دیجیتال، دو راهبرد اصلی و متقابل پاسخ‌دهی، یعنی راهبرد کیفری و راهبرد ترمیمی را مقایسه کند و متناسب‌ترین پاسخ با علل و عوامل مؤثر در وقوع بزهکاری یا بزه‌دیدگی نوجوانان در فضای سایبر را شناسایی نماید. در راستای تحقق این هدف، این تحقیق در چهار بخش اصلی سامان یافته است؛ در ادامه پس از معرفی پیشینه تحقیق و بیان ابزار و روش پژوهش، ابتدا تأثیر دیجیتال‌نیتوها بر مدل‌های جرم‌سایبری بحث می‌شود، سپس به مبانی نظری علت‌شناسی بزه‌دیدگی و بزهکاری پرداخته می‌شود و پس از آن مطالعه تجربی بزه‌دیدگی و بزهکاری دیجیتال‌نیتوها در دستور کار قرار گرفته است و در نهایت، مدل‌های پاسخ به بزهکاری و بزه‌دیدگی دیجیتال‌نیتوها مقایسه می‌شود.

پیشینه تحقیق

بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های دیجیتال در زیستگاه اول خود، یعنی فضای مجازی و چگونگی پاسخ به آن، موضوعی است که حداقل کمتر مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ادبیات پژوهشی در این زمینه ناقص و ناکافی است؛ پژوهش‌های جامعه‌شناختی که هم‌زمان کلیدواژه‌های نوجوانان و فناوری اطلاعات را در خود جمع کرده‌اند، بحث را در راستای اثبات شکاف میان‌نسلی در نتیجه وجود فناوری اطلاعات و ارتباطات پی گرفته‌اند؛ به‌طور نمونه یک پژوهش جامعه‌شناختی (فتحی و همکاران، ۱۳۹۰) اثبات کرده است که تفاوت معناداری بین والدین و فرزندان در میزان شناخت، علاقه و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد و نتیجه گرفته است که والدین برای امور ضروری و در سطح مبتدی از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند؛ در حالی که فرزندان به صورت حرفه‌ای و نیمه‌حرفه‌ای از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند و بیشتر وقت خود را در این فضا می‌گذرانند. همچنین در پژوهش‌های حقوقی جرم‌شناختی بر بزهکاری یا بزه‌دیدگی نوجوانان تمرکز نشده است. شاخص‌ترین و جامع‌ترین

1. Virtual social networks
2. Cyberspace

این مطالعات، مطالعه‌ای (جایزاتکار، ۱۳۹۵) با عنوان «جرم‌شناسی سایبری؛ بررسی جرائم اینترنتی و رفتار مجرمانه» است که در آن نویسنده با کاربری نظریات دانش جرم‌شناسی درصدد واکاوی علل و عوامل بزهکاری و بزه‌دیدگی در جرائم سایبری برآمده است. یک پژوهش دیگر که همین روش را برای فهم دلایل بزهکاری در فضای سایبر دنبال نموده است توسط ابوذری (۱۳۹۵) با عنوان «جرم‌شناسی جرائم سایبری» به زبان فارسی به رشته‌ی تحریر درآمده است.

ابزار و روش پژوهش

این نوشتار به‌عنوان یک تحقیق کیفی، برای تحلیل بزه‌دیدگی و بزهکاری نوجوانان در فضای سایبر از روش تحلیل «نظریه‌آزمایی»^۱ بهره برده است. در این راستا، برای تحلیل بزه‌دیدگی، نظریه‌ی سبک زندگی و برای تحلیل بزهکاری، نظریه‌ی فنون خنثی‌سازی را به عاریه گرفته است. به جهت تمایل‌نداشتن مشارکت‌کنندگان از ارائه‌ی حضوری اطلاعات، مصاحبه‌ی آنلاین به‌عنوان ابزار اصلی و مشاهده به‌عنوان ابزار تکمیلی جمع‌آوری داده‌ها انتخاب شد. برای انجام مصاحبه با تشکیل یک گروه در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک^۲ از کسانی که تجربه بزه‌دیدگی در شبکه‌ی مذکور را داشتند، دعوت به همکاری شد و ۱۰ کاربر نوجوان با جنسیت مؤنث و سن ۱۳ تا ۱۸ سال که حداقل یک سال در شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک عضویت داشته و در هفته بیش از پنج ساعت در شبکه‌ی مذکور برخط^۳ بوده و تجربه بزه‌دیدگی مکرر در یکی از انواع جرائم علیه شخصیت را داشتند، انتخاب شدند. با هر یک از این ۱۰ نفر حداقل به مدت ۴۰ دقیقه مصاحبه عمیق به عمل آمد که سؤالات پرسیده‌شده، برحسب مؤلفه‌های نظریه‌ی سبک زندگی طرح‌ریزی شد و این پرسش‌ها در قسمت مربوط ذکر شده است. همچنین درخصوص شناسایی علل بزهکاری که نظریه‌ی فنون خنثی‌سازی به‌عنوان تئوری زمینه‌ای تحقیق انتخاب شده بود، تلاش شد که داده‌ها بر مبنای مؤلفه‌های این نظریه و با روش مشاهده مشارکتی^۴ جمع‌آوری گردد. به این ترتیب با عضویت در یک گروه با نام «دختر بس»^۵ در شبکه‌ی اجتماعی تلگرام به مدت ۲۸ روز ضمن دریافت اطلاعات با ابزار مشاهده، اعتماد ۱۰ تن از اعضای نوجوان این گروه در سنین ۱۳ تا ۱۸ سال که مرتکب رفتارهای بزهکارانه علیه دختران نوجوان شدند، جلب شد و پرسش‌هایی با زمینه‌ی مؤلفه‌های نظریه‌ی فنون خنثی‌سازی از این افراد به عمل آمد.^۶

1. Theory Testing

۲. آدرس اینترنتی صفحه این گروه با عنوان «بزه‌دیدگی زنان در فضای سایبر» که توسط نگارنده ایجاد شده، عبارت است از:

www.facebook.com/groups/773214059407800

3. Online

۴. در روش مشاهده مشارکتی محقق خود جزئی از گروه یا جامعه آماری می‌شود و به منظور دستیابی به ناب‌ترین اطلاعات در فعالیت‌های گروه مشارکت می‌کند. (Bernard, 1998)

5. https://t.me/joinchat/BYOcuxFqAmz_nGNVwCG0ZQ

۶. هر چند این روش به‌عنوان مشاهده مشارکتی شناخته می‌شود اما تکنیک آن محدود به مشاهده نیست و محقق می‌تواند در طول تحقیق از روش‌های دیگری، مانند یادداشت‌برداری، پرسیدن سؤالات مستقیم و غیرمستقیم استفاده کند. این روش بهترین روش

۱. دیجیتال‌نیتیوها و دگرگونی در مدل‌های جرم

هرچند نقشه‌برداری^۱ دقیق و جامعی از جرائم بومی‌های شبکه، صورت نگرفته است، با فراتحلیل اسناد و پژوهش‌های موجود باید اذعان داشت که برخلاف آمار جرم در دنیای واقعی که مردان هم بیشتر از زنان در بزهکاری نقش دارند و هم بیش‌تر از زنان بزه‌دیده می‌شوند،^۲ (رینز، ۱۳۹۳: ۱۲۰۱) در فضای سایبر زنان سهم بیشتری در بزه‌دیدگی دارند. در مدل‌های جدید بزه‌سایبری، در اکثر موارد، پسران نوجوانی که در خلوت خود و از طریق فضای سایبر به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و سرهای گفت‌وگو، شیطنت‌های نوجوانی را به فضای مجازی منتقل نموده و دیگران را به طرق مختلف مورد آزار و بزه قرار می‌دهند، «بزهکاران بومی»^۳ سایبر هستند که با رشدیافتگی در فضای مجازی، نسبت به بزرگسالان خود در استفاده از فناوری اطلاعات کاملاً پیش‌تازند و با شناخت پستوهای فضای نامتنهی سایبر نه فقط برای والدین بلکه گاه برای متصدیان دستگاه عدالت کیفری نیز کنترل‌ناپذیر می‌شوند. در مقابل، دختران نوجوانی که علی‌رغم زندگی در کنار پدر و مادر و اطرافیان خود به جهت غفلت و سردرگمی‌های والدین و پیش‌تازی در استفاده از فناوری نسبت به آن‌ها در این فضا کاملاً ره‌اشده و بی‌خانمان هستند و از جهت مختلف به‌ویژه در جرائم جنسی و جرائم مزاحمت طعمه‌های خوبی برای بزهکاران به شمار می‌روند، با انجام رفتارهای متهورانه خود را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهند و «بزه‌دیده‌های بومی»^۴ رایاسپهر شناخته می‌شوند. به این ترتیب نرخ جرم در برخی انواع جرائم «علیه شخصیت معنوی»^۵ که اغلب «توسط پسران نوجوان» و «علیه

برای کسب اطلاعات و داده از میان خرده‌فرهنگ‌های منحرف، سازمان‌های پیچیده و جنبش‌های اجتماعی ناشناخته است. (عاملی، ۱۳۹۲: ۲۶۳)

۱. نقشه‌برداری از جرم (crime mapping) می‌تواند به تبیین بهتر ویژگی‌های فضایی بزه‌دیدگی گروه‌های سنی مختلف، دلایل تفاوت‌ها و انواع ابتکاراتی که برای کمک به پیشگیری از جرم انجام می‌شود، کمک کند. (چاینی، ۱۳۹۳: ۲۷۰)

۲. کثرت بزه‌دیدگی مردان نسبت به زنان در جرائم دنیای واقعی در مطالعات دیگری نیز اثبات شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: اسچرک، کریستوفر (۱۳۹۳) عامل‌های مرتبط با بزه‌دیدگی، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: مهدی مقیمی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، صص ۲۳۶-۲۴۶.

3. Native Criminals

4. Native victims

۵. رایج‌ترین گونه‌های این دسته از جرائم در شبکه‌های اجتماعی شامل موارد ذیل می‌شود:
آزار سایبری: اذیت و آزار سایبری علیه زنان در شبکه‌های اجتماعی به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود؛ گذاشتن پیام‌هایی بر روی صفحه‌ی بزه‌دیده به‌صورت مکرر، ارسال مداوم درخواست برای رابطه دوستی، ارسال دائمی پیام‌های ابراز مخالفت با بزه‌دیده و مواردی از این‌دست، مصادیق جرم آزار سایبری محسوب می‌شوند. (Willard, 2007: 6)

ناسزاگویی سایبری: در این روش، فرد مزاحم، ممکن است به‌طور دائم هدف خود را در شبکه‌های اجتماعی، هم بر روی صفحه او و هم در بین گروهی که عضو آن است، مورد ناسزاگویی قرار دهد. (Langos, 2013: 59) بدکلامی توسط گروهی از مزاحمان سایبری برای بیان نفرت علیه دختران و زنان نیز گونه دیگری از عنوان ناسزاگویی سایبری است؛ این رفتار را به‌عنوان حمله سایبری اوباش‌گونه، توصیف کرده‌اند. (Citron, 2009: 65)

دختران نوجوان» صورت می‌گیرد به صورت تصاعدی در حال افزایش است. (هنسون، ۱۳۹۳: ۳۶۵) تا جایی که گفته می‌شود، برای بزه‌کارانی که به دنبال سوءاستفاده‌های جنسی از دختران هستند، فضاهای تعاملی نظیر «شبکه‌های اجتماعی» که قابلیت حضور آنلاین و دسترسی مکرر به بزه‌دیده در آن‌ها وجود دارد، جایگزین تفریحگاه‌ها شده‌است. (mackim, 2006) در جامعه ایرانی نیز این وضعیت یعنی دگرگونی در مدل‌های بزه در سال‌های اخیر کاملاً مشهود است. مطابق با آمار پلیس فتا از سال ۹۰ تا ۹۷ جرائم سایبری ۹۰۰ درصد رشد داشته‌اند^۱ و در حالی که از سال ۹۰ تا ۹۴ بیشتر جرائم مربوط به جرائم علیه اموال بوده است از سال ۹۴ با حضور بومیان دیجیتال در شبکه‌های اجتماعی، آهنگ رشد جرائم مزاحمت محور و منافی عفت بیش از دیگر جرائم رشد داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۹۵ برای اولین بار جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی بیشترین سهم را از میان جرائم سایبری به خود اختصاص داده که بنا بر گزارش پلیس فتا ۸۹ درصد از جرائم مذکور از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است. در این میان بیش از ۸۴ درصد بزه‌کاران سایبری نیز مرد بوده‌اند (کرد علیوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹۰-۳۹۱) نکته جالب توجه آنکه ۶۷ درصد کل بزه‌کاران سایبری در ایران کمتر از ۲۵ سال سن داشته‌اند (ناصر آبادی، ۱۳۹۱) همچنین عامل‌های سن و جنسیت از حیث تأثیر در میزان بزه‌دیدگی ادغام شده‌اند و اکثر بزه‌دیدگان سایبری در جرائم منافی عفت را دختران نوجوان تشکیل داده‌اند.^۲

۲. مبانی نظری علت‌شناسی بزه‌دیدگی و بزه‌کاری

یکی از بهترین شیوه‌ها برای کشف عوامل خطر در فضای سایبر، استمداد از دانش جرم‌شناسی با استخراج مؤلفه‌های نظریات کلاسیک جرم‌شناسی و عرضه بزه، بزه‌کار و بزه‌دیده سایبری به این نظریه‌ها است. در همین راستا نظریه سبک زندگی برای تحلیل بزه‌دیدگی به کار گرفته شده است.

مسدودسازی: در یک گروه یا جمعیت که برای اجازه‌دادن به افراد برای بیان عقاید شخصی‌شان، ساخته شده است و عموماً در یک گروه یا جمعیتی که غالب آن‌ها اشتراکاتی از حیث جنسیت، مذهب و عقیده و... دارند، اعضاء گروه ممکن است فرد خاصی را با ممنوع‌ساختن او به خاطر عقاید یا وضعیت خاصش، بزه‌دیده سازند. (McFarlane and Bocij, 2003: 31)

مزاحمت‌های جنسی مجازی: این گونه خشونت‌آمیز از بزه‌دیده‌سازی سایبری است. در این روش، یا فرد مزاحم به‌طور دائم پیام‌هایی با محتوای تهدید به تجاوز ارسال می‌کند و یا کاربران محل‌های اجتماعی خاصی ممکن است یک دختر یا زن را هدف گرفته و با چنین کلماتی مورد تهاجم اوباش گونه قرار دهند که به‌شکل موفقیت‌آمیزی، نوعی اشتیاق در میان سایر کاربران نامرتبط تولید می‌کند که درباره امور جنسی فرد بزه‌دیده اظهار نظر کنند؛ بدین ترتیب صاحب پروفایل، به یک موضوع داغ برای بحث‌های شهوانی، ناسزاگویی‌های هرزه بار و مانند این‌ها تبدیل می‌شود. (جایشانکار، ۱۳۹۵: ۱۸۹)

۱. نقل از رئیس پلیس فتا، خبرگزاری فارس، ۹۷/۰۲/۹. قابل دسترسی در: <http://fna.ir/bm08iq>

۲. موضوعی که مانع از به‌تصویر کشیده شدن وخامت بحران جرم سایبری در همه کشورهای به‌ویژه در ایران است، رقم سیاه بالای این جرائم، یعنی جرائمی که به هر دلیلی کشف نمی‌شوند، می‌باشد که این ارقام در جرائم علیه زنان به جهات مختلف به مراتب بالاتر از جرائم علیه مردان است. (هالدر و جایشانکار، ۱۳۹۳: ۲۲)

نظریهٔ «سبک زندگی» که به گاتفردسون^۱ و هیندلانگ^۲ منسوب است، تبیین می‌کند که سبک‌های متفاوت زندگی افراد تا چه میزان آن‌ها را به بزه‌دیدگی نزدیک یا از آن دور می‌سازد. ادعای اصلی نظریه این است که برخی سبک‌های زندگی پرمخاطره، افراد را در تماس بیشتر با بزهکاران قرار می‌دهد و بزهکاران را به ارتکاب جرم علیه افراد ترغیب می‌کند. سؤال کلیدی این نظریه آن است که بزه‌دیده چه ویژگی‌هایی داشته که موضوع و آماج جرم واقع شده است؟ این نظریه تبیین می‌کند که چگونه قربانی جرم بر فرآیند بزه تأثیر می‌گذارد. مطابق با مبانی نظریهٔ مذکور، جرم رخدادی تصادفی نیست؛ بلکه بیشتر نتیجهٔ رفتارها و تعاملات بزه‌دیدهٔ بالقوه است که تا حد قابل توجهی قابل‌پیش‌بینی و پیشگیری است. به نظر هیندلانگ سبک‌های متفاوت زندگی تحت تأثیر سه عنصر اصلی «فشار اجتماع بر فرد»، «تعاملات اجتماعی فرد» و «انتخاب‌های افراد» قرار دارند. (Hindelang, 1978: 240) «فشار اجتماع بر فرد» عنصر مقدماتی یا زمینه‌ساز در این نظریه است. این نظریه در تبیین فشار اجتماع بیان می‌کند که افراد جامعه بر اساس انتظارات اجتماع، روش ادارهٔ زندگی خود را انتخاب کرده و سبک زندگی‌شان را کم و بیش به سمت آنچه که اجتماع از آن‌ها می‌خواهد، هدایت می‌کنند. این موضوع یعنی توجه به خواست دیگران، منشاء اثر در سبک زندگی افراد و متعاقب آن میزان بزه‌دیدگی می‌شود. دومین عنصر تعیین‌کننده در نظریهٔ سبک زندگی، تأثیرگذاری «انتخاب افراد» بر میزان بزه‌دیدگی است. با فعالیت‌هایی که یک شخص به‌عنوان سبک زندگی خود انتخاب می‌کند، در واقع سطح آشکارسازی خود را در برابر موقعیت‌ها و تعاملات تعیین می‌کند. سومین عنصر نظریهٔ سبک زندگی به تعاملات بزه‌دیدگان با بزهکاران مربوط می‌شود. مطابق با رهیافت‌های این نظریه هر میزان بزه‌دیدگان به بزهکاران نزدیک‌تر باشند و تعامل بیشتری با آن‌ها برقرار سازند، امکان بزه‌دیدگی آن‌ها افزوده خواهد شد؛ برای مثال احتمال بزه‌دیدگی یکی از اعضای یک باند مجرمانه بیش از احتمال بزه‌دیدگی یک فرد غیربزهکار است. (Kennedy and Tita, 2002: 275)

پژوهش‌های بنیادین درباره بزهکاری و بزه‌دیدگی نوجوانان نشان می‌دهد که بزهکاری و بزه‌دیدگی به‌ویژه در میان نوجوانان غالباً در هم تنیده است. (فرینگ و تایلر، ۱۳۹۳: ۷۱۸) به همین منظور تحلیل علت‌شناسی جرم علاوه بر این که باید با توجه هم‌زمان به هر دو دسته از علل بزهکاری و بزه‌دیدگی دنبال شود، باید تا حد ممکن از ارتباط متقابل بین دلایل بزهکاری و بزه‌دیدگی پرده بردارد؛ از این‌رو با انتخاب نظریهٔ سبک زندگی به‌عنوان نظریهٔ تحلیل بزه‌دیدگی، یک نظریهٔ مرتبط برای تحلیل بزهکاری می‌تواند «نظریهٔ فنون خنثی‌سازی» باشد. گزینش این نظریه از میان نظریه‌های بزهکاری از آن جهت است که این نظریه حول محور مسئولیت‌گریزی بزهکار به تبیین موضوع می‌پردازد و می‌تواند با عدالت ترمیمی که به‌عنوان راهبرد پاسخ‌دهی به بزهکاری مطرح شده است، ارتباط بیشتری برقرار کند. همچنین طراحان این نظریه ادعا دارند که این نظریه بیش از همه برای تحلیل بزهکاری نوجوانان مناسب است. (متزا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۰۱) این نظریه بیان می‌کند که بزهکار، فردی از افراد جامعه است و تفاوت چندانی با دیگر افراد ندارد و همچون دیگر اعضای

1. Gottfredson
2. Michael Hindelang

جامعه برای ارزش‌های اجتماعی احترام قائل است؛ لکن تمایل وی به نقض ارزش‌ها بیش از دیگران است. به این ترتیب مهم‌ترین اقدام، آزادشدن از اشکال متعارف کنترل اجتماعی است که به فرد امکان رانش به سوی بزهکاری را می‌دهد. در طی این مرحله فرد باید دستورات این نظام هنجاری را به‌گونه‌ای برای خود تفسیر کند که ضمن قبول و پذیرش آن‌ها بتواند این دستورات را نادیده گرفته و نقض کند؛ بنابراین بزهکار نسبت به جامعه مطیع قانون، مخالفت اساسی از خود نشان نمی‌دهد بلکه در نظر خود چیزی شبیه به یک تخلف قابل‌بخشش مرتکب می‌شود. از نگاه ماتزا، افراد بالغ گاه‌به‌گاه نقش‌های بزهکاری را به عهده می‌گیرند اما به یک فرد دائماً قانون‌شکن تبدیل نمی‌شوند. (مارش و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۴) در نظریه فنون خنثی‌سازی چند شیوه اصلی یعنی «انکار آسیب‌رسانی»، «انکار بزه‌دیده»، «انکار مسئولیت»، «محکوم کردن محکوم‌کنندگان» و «توسل به سطح بالاتری از وفاداری» برای خنثی‌ساختن وجدان درونی و نادیده‌گرفتن هنجارها وجود دارد که هریک از این شیوه‌ها مجرم را یاری می‌دهد تا به‌صورت هرچه بهتر از ملامت وجدان گریز یابد. (متزا و سایکس، ۱۳۹۰: ۲۰۱) در سه طریق نخست، بزهکار یا وجود خسارت یا وجود بزه‌دیده یا استناد خسارت به رفتار خود را منکر می‌شود. در مورد چهارم با توسل به فرافکنی همه کسانی را که ممکن است او را ملامت کنند، محکوم می‌کند و در آخرین شیوه، بزهکار برای تسکین و تسلاهی وجدان خود، آرمان‌ها و ارزش‌های گروهی را که خود را متعلق به آن می‌داند، پیش می‌کشد. با خلاصه این مؤلفه‌ها در سه مورد «انکار مسئولیت» و «فرافکنی» و «توسل به آرمان‌ها» باید دید که توسل به این موارد تا چه میزان در میان بومی‌های شبکه رواج دارد.

۳. مطالعه تجربی بزه‌دیدگی و بزهکاری دیجیتال نیتپوها

در این نوشتار، دو مطالعه تجربی به صورت مجزا برای تحلیل بزه‌دیدگی و بزهکاری بومی‌های در اینترنت انجام شده است. در راستای مطالعه بزه‌دیدگی، مولفه‌های اصلی یکی از مهم‌ترین نظریات تبیین‌کننده علل بزه‌دیدگی یعنی نظریه سبک زندگی محور مطالعه قرار گرفته است و در راستای مطالعه بزهکاری، بر مولفه‌های یکی از نظریات جرم‌شناسی هماهنگ با بزهکاری در فضای سایبر یعنی نظریه فنون خنثی‌سازی تمرکز شده است.

۳-۱. یافته‌های مرتبط با بزه‌دیدگی

برای تبیین علل بزه‌دیدگی بومی‌های اینترنت، مهم‌ترین مولفه‌های نظریه سبک زندگی، یعنی «فشار اجتماع»، «انتخاب افراد» و «سبک تعاملات» مبنای مطالعه قرار گرفته است و سوالات به نحوی طراحی شده‌اند که وضعیت بزه‌دیده را از حیث این موضوعات منعکس نماید.

۳-۱-۱. فشار اجتماع

در مصاحبه به عمل آمده از ۱۰ نوجوانی که مکرراً مورد آزار یا جرم منافی عفت قرار داشتند، این پرسش مطرح شد که «در انتخاب عکس پروفایل، نوع و محتوای کامنت‌ها، استیکرها، ویدئوها و عکس‌های به اشتراک گذاشته شده، به سلیقه و خواست چه کسانی توجه دارید؟» با پاسخ‌های داده شده به این پرسش مشخص شد که ۶ نفر (معادل ۶۰ درصد) از ایشان، در این خصوص به خواست و انتظار دوستان واقعی (غیرمجازی) خود توجه دارند و به نوعی تحت تأثیر نظر دوستان واقعی به بارگذاری مطالب می‌پردازند و ۳ نفر (معادل ۳۰ درصد) نیز اعلام نمودند که تلاش می‌کنند در بارگذاری مطالب، نظرات والدین یا خانواده خود را تأمین کنند و یک نفر (معادل ۱۰ درصد) از کاربران هم به تأمین نظر دوستان مجازی نظر داشت.

۳-۱-۲. انتخاب‌های کاربران

با مشاهده پروفایل ۱۰ نوجوان با بزه‌دیدگی مکرر، مشخص شد که ۷ نفر (معادل ۷۰ درصد) از عکس‌های شخصی خود به عنوان عکس پروفایل استفاده می‌کردند و ۲ نفر (معادل ۲۰ درصد) نیز از عکس‌هایی که برای بزهکاران جرائم جنسی دارای جذابیت تشخیص داده شد، استفاده کرده‌اند و تنها یک نفر (معادل ۱۰ درصد) از ایشان عکس پروفایل خود را از مناظر طبیعی انتخاب نموده بود. همچنین مشاهده صفحه شخصی بزه‌دیدگان نشان داد که بین عضویت در گروه‌های با محتواهای نامناسب و میزان بزه‌دیدگی، ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ به این ترتیب که نه نفر (معادل ۹۰ درصد) از بزه‌دیدگان در گروه‌های غیراخلاقی عضویت داشتند.

۳-۱-۳. سبک تعاملات آنلاین

برای شناخت بهتر سبک تعاملات برخط کاربرانی که مکرراً در شبکه‌های اجتماعی بزه‌دیده می‌شوند، این پرسش مطرح شد که «به درخواست‌های دوستی که برای شما ارسال می‌شود، چه واکنشی نشان می‌دهید؟» در پاسخ به این پرسش ۴ نفر (معادل ۴۰ درصد) اعلام کردند که پس از بررسی درخواست دوستی، صفحه شخص درخواست‌دهنده را بررسی کرده و در صورت مصلحت این درخواست را قبول می‌کنند و ۶ نفر (معادل ۶۰ درصد) نیز گفتند که درخواست‌های دوستی را در هر حال پذیرش می‌کنند.

از جهت واکنش اولیه بزه‌دیدگان به بزهکار نیز در میان این بزه‌دیدگان مکرر، ۶ نفر (معادل ۶۰ درصد) اذعان کردند که رفتارهای علیه خود را بدون پاسخ نمی‌گذارند، ۳ نفر (معادل ۳۰ درصد) گفتند که سکوت در مقابل رفتارهای مزاحم‌گونه را بهترین پاسخ می‌دانند و تنها یک نفر اعلام کرد که از ابزارهای حریم خصوصی، مانند گزارش مزاحمت به فیس‌بوک استفاده می‌کنند.

۲-۳. یافته‌های مرتبط با بزهکاری

برای تبیین علل بزهکاری بومی‌های اینترنت، بر نظریه فنون خنثی‌سازی تمرکز شده است و سؤالات این مطالعه مهم‌ترین مؤلفه‌های نظریه مذکور یعنی «انکار مسئولیت»، «فرافکنی» و «توسل به آرمان‌ها» را مورد توجه قرار داده است.

۱-۲-۳. انکار مسئولیت

موارد فراوانی در گروه تلگرامی «دختربس» مشاهده می‌شد که آزاردهندگان یک دختر منکر آزارسانی یا مسئولیت خود می‌شدند و تقصیر را متوجه بزه‌دیده می‌کردند. در یک مورد بعد از اینکه پنج‌تن از پسران (احسان، علی، داریوش، پدرام و سعید) نظرات یکی از اعضای گروه با جنسیت مؤنث (با نام کاربری خسته‌ام) را به سخره گرفتند و به عکس نمایه وی توهین کردند، از ایشان دلیل رفتارشان پرسیده شد، پاسخ ایشان چنین بود:

پدرام: «لطفاً سین جیم نکن، اومدیم اینجا که جواب پس ندیم!»

سعید: «تقصیر خودشه، می‌خواست یک عکس دیگه بذاره!»

احسان: «اینا همش حرفه، شما خیلی درگیر نشو!»

رادین: «خب حالا مگه چی شده، شما اینقدر بزرگش نکن!»

داریوش: «آگه کسی در این حد ظرفیت نداره نباید عضو گروه بشه!»

۲-۲-۳. فرافکنی

در بیش از بیست مورد پاسخ‌های بزهکاران برای توجیه رفتار خود به محکوم‌کردن دیگران منتهی می‌شد. در یک مورد که یک دختر از حضور مکرر و مزاحم‌گونه‌ی اعضای گروه در صفحه شخصی انتقاد کرد، اعضای گروه با پیش‌کشیدن برخی توجیه‌های واهی، سعی کردند این دختر و دیگرانی که این رفتار را تقبیح می‌کردند، ملامت کنند.

شایان: «دخترایی که خودشون رعایت نمی‌کنن نباید انتظار داشته باشن کسی رعایتشون

کنه!»

میلا: «ینایی هم که می‌گن این کارا بده، خیلی ناقلا تشریف دارن میخوان میانبر بزن!»

میثم: «صن همه یه جورایی توی این چیزا پاشون گیره!»

۳-۲-۳. توسل به آرمان‌ها

در مدت ۲۸ روزه عضویت پژوهشگر در این گروه بیش از ۱۶ پیام با محتوای توسل به آرمان‌ها و سطح بالاتری از وفاداری مشاهده شد و در اغلب موارد پسران نوجوان در توجیه رفتار مزاحم‌گونه و

حتی بزهکارانه خود آرمان‌های پسرانه یا نقاط متفق را پیش می‌کشیدند و ابراز می‌داشتند که رفتارهایشان در قالب سطح بالاتری از وفاداری قابل توجیه است. به‌طور مثال:

سهیل: «زنده باد، پرچم پسر همیشه باید بالاتر باشه!»

اشکان: «بچه‌ها همگی کمک بدید نذارید دخترا پرروتر شن!»

۳-۳. تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده نشان می‌دهد سه مؤلفه نظریه سبک زندگی، یعنی «فشار اجتماع»، «انتخاب‌های افراد» و «تعاملات مجازی» ارتباط معناداری با بزه‌دیدگی دختران نوجوان در رایاسپهر به‌طور عام و در شبکه‌های اجتماعی به‌طور خاص دارند. تأثیر فشار اجتماع بر بزه‌دیدگی نوجوانان از آن جهت است که اغلب کاربران نوجوان، مخاطرات فضای مجازی یا سرایت این خطرات به فضای برون‌خط (دنیای واقعی) را درک نمی‌کنند؛ ظاهراً بومی‌های دیجیتال در بارگذاری مطالب و محتواهایی که ممکن است زمینه بزه‌دیدگی ایشان را فراهم کند، بیش از همه به نظرات دوستان واقعی توجه نشان می‌دهند. به این ترتیب مقبول‌افتادن در نظر دوستان، ممکن است باعث انجام رفتارهای پرخطر و بارگذاری عکس‌ها و محتواهایی شود که برای بزهکاران نیز جذاب است. علاوه بر فشار اجتماع، برخی انتخاب‌های نوجوانان، مانند انتخاب عکس پروفایل یا عضویت در گروه یا کانال‌هایی که رفتار اعضا یا درصد بالایی از مطالب بارگذاری‌شده خلاف هنجار عرفی قانونی جامعه ایرانی است، می‌تواند یک کاربر نوجوان را در معرض ارتباط با بزهکاران و بزه‌دیدگی قرار دهد. همچنین تعامل غلط یک کاربر نوجوان با درخواست‌های دوستی بزهکاران و پذیرش کورکورانه تمام درخواست‌های دوستی و واکنش ناصحیح به مزاحمت‌های بزهکاران به‌جای سکوت در مقابل آن‌ها، عناصر مهمی هستند که بزه‌دیدگان را با بزهکار مرتبط می‌سازند و آن‌ها را در معرض بزه‌دیدگی نخستین یا بزه‌دیدگی مجدد قرار می‌دهد. در راستای نتایج به‌دست‌آمده، مطالعات دیگری وجود دارد (دانش‌ناری و همکاران، ۱۳۹۷) که نقش کاربر و سبک زندگی وی را در رخداد بزه‌دیدگی مؤثر می‌داند. همچنین برخی جرم‌شناسان سایبری (هالدر و جایشانکار، ۱۳۹۳) از نقش شتاب‌دهنده یا اثرگذار بزه‌دیده در فرآیند جرم سایبری پرده‌برداری نموده‌اند.

همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سه عنصر «مسئولیت‌گریزی»، «فرافکنی» و «توسل به آرمان‌ها» تا حد زیادی با علل بزهکاری بومیان دیجیتال به‌ویژه پسران، در فضای سایبر به‌صورت عام و در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت خاص ارتباط دارند. مسئولیت‌گریزی، بارزترین ویژگی بزهکاران بومی سایبر است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد استفاده فراوان این کاربران از فضای مجازی و حضور کمرنگ‌تر آنان در فضای واقعی باعث شده که اجتماعی‌شدن و پذیرش هنجارها در بین نسل شبکه به‌صورت چندانی محکمی قوام نیابد. ناملموس بودن آسیب و خسارات جرائم برخط بیش از آنچه تصور می‌شود، به گریز نوجوانان بزهکار از مسئولیت منجر شده است. همسو با این رهیافت، پژوهش دیگری که در خصوص بزهکاران قطع نظر از سن آن‌ها انجام شده است، نشان می‌دهد که در ارتباطات و تعاملات آنلاین، یک بزهکار، اعم از نوجوان یا بزرگسال،

ممکن است در نتیجه بازنداشتن احساسات خود جسارت کند؛ زیرا بیان کامنت‌های آزاردهنده با استفاده از یک صفحه‌کلید، انرژی و شهامت کمتری در مقایسه با ابراز گفتاری رودررو می‌طلبند؛ (Patchin and Hinduja, 2006: 150) مرتکبی که از پاسخ تصویری یا صوتی بزه‌دیده به سبب سنگرگرفتن در پشت مانیتور یا صفحه‌نمایش در امان است، کمتر احتمال دارد که با بزه‌دیده احساس همدردی کند. همان‌طور که آلبرت باندورا اشاره می‌کند: «صدمه زدن به دیگران هنگامی که زجرکشیدن آن‌ها قابل مشاهده نیست و با رفتارهایی که از لحاظ زمانی و مکانی از نتایجشان دور هستند، به نسبت ساده‌تر است.» (Bandura, 1991: 86) در وضعیت‌هایی که زجرکشیدن قربانی جرم، دیده یا شنیده می‌شود، پریشانی و خودپرهیزی به‌واسطه دیدن یا شنیدن عذاب‌کشیدن بزه‌دیده، بیشتر است و به‌عنوان عوامل خودمراقبتی عمل می‌کنند؛ با این حال فاصله واقعی و مادی بین یک بزهکار و یک بزه‌دیده جرم سایبری، زمینه‌ای ایجاد می‌کند که رفتار مجرمانه می‌تواند بی‌اهمیت تلقی شود و یک عدم تعادل قدرت بین مرتکب و بزه‌دیده ایجاد کند. به جهت ناملموس بودن خسارات است که در بسیاری از موارد بزهکار نوجوان نه‌تنها احساس ندامت ندارد، بلکه برعکس به هوش و توانایی خود در ارتکاب این اعمال مجرمانه می‌بالد و به نوعی احساس توانایی به او دست می‌دهد.^۱ ویژگی دوربودن و ملموس نبودن بزه‌دیده از مرتکب، وی را در طرح این ادعاها که خسارتی به کسی وارد نمی‌شود، جسورتر می‌کند تا جایی که مرتکب با بهانه‌تراشی‌هایی از این دست وجود مخاطب برای این رفتارها را به‌طور کلی نادیده می‌گیرد. در برخی موارد نیز که بزهکار نوجوان به وجود خسارت و بزه‌دیده اذعان دارد برای خنثی‌سازی وجدان خود به فرافکنی مبادرت می‌ورزد و از تأمل و تفکر درباره فعل ارتكابی خود به سمت تمرکز بر افعال دیگران طفره می‌رود و از این طریق فعل ارتكابی خود را کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. در پاره‌ای از موارد هم پسرانی که بازی‌های بچه‌گانه را از رفتارهای مردانه بازنشناخته‌اند، برخی آرمان‌های پسرانه را دلیل قابل‌قبولی برای ارتکاب رفتارهای مزاحم‌گونه می‌دانند.

پژوهش‌های دیگری که سابقاً صورت گرفته است، همین نتایج را تأیید می‌کند. در یکی از این تحقیقات، بر پایه شگردهای خنثی‌سازی مطرح‌شده از سوی سایکس و ماتزا، ویژگی‌هایی از محیط برخط شناسایی شد و مشخص شد کسانی که در فضاهای اجتماعی برخط مرتکب رفتارهای ضداجتماعی می‌شوند، دریافته‌اند که به جهت رفتارهای بزهکارانه خود، به سرزنش‌های وجدان دچار نخواهند شد. (ویلیامز، ۱۳۹۱: ۹۲) در مجموع مسئولیت‌گریزی ویژگی بارزی در دیجیتال‌نیوتیوها شناخته می‌شود که یا هنوز پایه‌های مسئولیت در ایشان شکل نگرفته یا کتمان آن و ارتکاب بزه برای ایشان سهل است. ظاهر آن است که نسل شبکه، فهم و درک دیگری از مسئولیت دارد که چندان با درک بزرگسالان همخوان نیست.

علاوه بر این موارد باید به این مهم توجه داشت که تحلیل دلایل بزه‌دیدگی و دلایل بزهکاری نوجوانان در فضای سایبر، به عوامل مشابهی که هم در بزهکاری و هم در بزه‌دیدگی مؤثرند، نظیر

۱. این در حالی است که در برخی از موارد آزار و اذیت سایبری که بزه‌دیده آن زن بوده است، قربانی جرم از فرط فشار وارده شده به خودکشی دست زده است. (هالدر و جایشانکار، ۱۳۹۵، ص ۱۹۵)

نقش انفعالی والدین و نقش برجسته دوستان^۱، خودکنترلی اندک نوجوانان و آینده‌نگری پایین‌تر آنان نسبت به بزرگسالان منتهی می‌شود؛^۲ زیرا چه در مقابل مسئولیت‌گریزی بزهکاران و چه در مقابل خطرپذیری بزه‌دیدگان نوجوان، نقش نظارتی و مانع والدین حداقل به اندازه‌ای که در فضای واقعی وجود دارد، دیده نمی‌شود و در عوض در هر دو مورد، دوستانِ شخص نقش برجسته‌ای در ورود او به عرصه بزهکاری دارند که در قسمت دلایل ناظر بر بزه‌دیدگی تحت مقوله فشار اجتماع و در قسمت دلایل ناظر بر بزهکاری تحت مقوله توسل به آرمان‌های گروهی به آن پرداخته شد. همین‌طور خودکنترلی و آینده‌نگری پایین‌تر نوجوانان آنگاه که مرتکب رفتارهای مخاطره‌آمیز مرتبط با بزه‌دیدگی یا بزهکاری می‌شوند، مشهود و مشخص است.

۴. مدل‌های پاسخ به بزهکاری و بزه‌دیدگی دیجیتال‌نیوها

الگوهای متعددی برای پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان از قبیل الگوی کیفی، الگوی ترمیمی، الگوی رفاه یا بازپروری، الگوی مداخله حداقلی و الگوی مدیریت خطر وجود دارد. مقایسه همه این الگوها از حوصله این نوشتار خارج است^۳ در ادامه دو الگوی اول یعنی الگوی کیفی به‌عنوان الگوی رایج و الگوی ترمیمی به‌عنوان الگوی متناسب با علل بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های دیجیتال مطرح و مورد مقایسه کلی قرار می‌گیرند.

۴-۱. الگوی کیفی؛ به مثابه مدل رایج

الگوی کیفی که از گذر مجازات، اهداف چهارگانه سزا، اصلاح، ارباب و ناتوان‌سازی را دنبال می‌کند، به‌عنوان واکنش رایج در اکثر نظام‌های حقوقی شناخته می‌شود. رواج الگوی کیفی به هر دلیل که باشد، از جهت کارآمدی نیست؛ بالا بودن نرخ تکرار جرم گواه معتبری بر ناکارآمدی الگوی کیفی است؛ نتایج یک پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که تنها پنج درصد محکومان، مرتکب تکرار جرم نمی‌شوند. (Innes, 1988) همچنین یک تحقیق جامع در ایران نشان می‌دهد که میزان تکرار جرم به شدت تحت تأثیر قرار گرفتن در معرض برنامه‌ها یا ضمانت‌اجراه‌های الگوی کیفی است؛ به این ترتیب که ارتکاب مجدد جرم در میان زندانیان، بیش از افراد دیگر است (عبدی، ۱۳۹۳: ۴۴۷). ممکن است رابطه این موضوع با ناکارآمدی مجازات انکار شود و بحث تمایل مجرمانه افزون‌تر

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه تأثیر شبکه دوستان بر بزهکاری و بزه‌دیدگی بنگرید به:

Shrek, c. j. fisher, b.s (2004) specifying the influence of family and peers on violent victimization: extending routine activities and lifestyle theories. *Journal of interpersonal violence*, 19, 1021-1041.

۲. یافته‌های پژوهش دیگری این نتیجه را تأیید می‌کند، در این پژوهش آمده است: عواملی چون خودکنترلی، تأثیرات خانواده و هم‌تایان، درگیری گروه‌های تنه‌کاری، فروش مواد مخدر و حمل سلاح می‌توانند هم در بزهکاری و هم در بزه‌دیدگی کودکان پیش چشم باشند. (فرینگ و تاپلور، ۱۳۹۳: ۷۱۸)

۳. برای مطالعه در زمینه الگوهای واکنش به بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال بنگرید به: غلامی، حسین (۱۳۹۲) الگوها یا گونه‌های عدالت کیفی اطفال، آموزه‌های حقوق کیفی، شماره ۶.

در میان دسته‌ای از بزهکاران به پیش کشیده شود؛ اما با مصاحبه‌هایی که در این تحقیق با افراد زندانی صورت گرفته است، (عبدی، ۱۳۹۳: ۳۵۴-۳۵۵) مشخص می‌شود که دلیل اصلی تکرار جرم را باید در نقش منفی زندان در آموزش جرم دانست.

مطالعات تجربی متعددی نشان داده‌اند که بخش اندکی از مجرمان، بیشترین درصد از جرائم را مرتکب می‌شوند (farington, 1982; wolfgang, 1972). لذا شایسته است که الگوی کیفری صرفاً متوجه این دسته خاص از بزهکاران البته با لحاظ ویژگی‌ها و شرایط فردی آنها باشد. به این ترتیب شاید علت اصلی ناکارآمدی الگوی کیفری، تعمیم یک پاسخ برای همه جرائم و از پیش تعیین‌یافتگی پاسخ‌ها بدون توجه به درد بزهکار و نظر بزه‌دیده باشد. انحصار واکنش به مجازات برای همه جرائم، همان اندازه پذیرفتنی نیست که برای همه بیماری‌ها یک دارو تجویز شود. موضوعی که بداهتش تمثیل نمی‌طلبد اما قیاسش با نوش دارو خالی از لطف نیست: «آیا یکنانه چاره بیماری، نوشیدن تلخ دارو است؟ بر فرض که چنین باشد، آیا می‌توان یک دارو را برای همه بیماری‌ها و همه بیماران تجویز کرد؟ آیا نوع بیماری، شرایط بیمار، سن و جنسیت او تفاوتی در نوع دارو ایجاد نمی‌کند؟ آیا پزشک می‌تواند بدون توجه به علل و عوامل بیماری، داروهای موجود در انبان را به بیماران تحویل دهد؟»

تشکیک در کارآمدی مجازات برای بومی‌های دیجیتال قدری بیشتر است. به راستی آیا مجازات‌های حبس یا جزای نقدی، بزهکاران نوجوان را مسئولیت‌پذیر می‌سازد؟ آیا این مجازات‌ها بزه‌دیدگان را از انجام رفتارهای مخاطره‌آمیز باز می‌دارد؟ آیا آلام ناشی از بزه التیام می‌یابد؟ آیا با اعمال کیفر، توان اطرافیان بزه‌دیده و بزهکار در کنترل ایشان افزوده می‌شود؟ از حیث نظری هیچ رابطه علی یا همبستگی بین مجازات و افزایش مسئولیت‌پذیری بزهکار، کاهش ریسک‌پذیری بزه‌دیده، التیام آلام بزه‌دیده و... وجود ندارد و با وجود تحقیقات اندکی که مجازات را سبب اصلاح بزهکار دانسته‌اند، تحقیقات عمده‌ای^۱ وجود دارد که نتیجه گرفته‌اند که مجازات، بزهکاران را بزهکارتر می‌کند و حتی تعابیری که زندان را برای بزهکاران جوان و نوجوان «مدرسه جرم‌آموزی» معرفی نموده‌اند، در ادبیات حقوق کیفری زبانزد شده است.

علاوه بر این، محکومیت‌ها و مجازات‌های کیفری پیامدهای جدی و بلندمدتی بر مجرم دارند. با این حال اقدامات نوجوانان اغلب نتیجه تصمیم‌گیری لحظه‌ای است که برای جلب تشویق دیگران،

۱. برای مشاهده برخی از این تحقیقات به زبان فارسی می‌توانید بنگرید به:

آشوری، محمد (۱۳۸۲) جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، انتشارات گرایش.

عبدی، عباس (۱۳۹۳) تأثیر زندان بر زندانی، انتشارات جامعه شناسان.

غلامی، حسین (۱۳۸۷) تکرار جرم، بررسی حقوقی جرم‌شناختی، انتشارات میزان.

انتقام، تلافی، قدرت‌نمایی یا سرگرمی^۱ بروز یافته است. با اعمال مجازات، عوامل خطر در شخص نوجوان احتمالاً تشدید می‌شوند: اظهار مظلومیت وی در خصوص تقدیر شوم خود به فرافکنی و تکثیر ادبیات طلبکارانه وی دامن می‌زند؛ چنین بزهکاری به جای پذیرش تقصیر خود، رقم سیاه جرم و بزهکاران دستگیر نشده را در راستای توسل به فرافکنی و مظلومیت خود به پیش می‌کشد و به احتمال مدعی می‌شود که سرنوشت، وی را از میان هزاران هزار فردی که همچون او در رایاسپهر وقت می‌گذرانند، به زندان کشاند؛ اما گزینه‌های عدالت کیفری برای بزه‌دیده نوجوان قدری بیشتر غیرقابل‌پذیرش و دور از علل و عوامل بزه‌دیدگی است؛ بزه‌دیده نوجوان که به اقتضای سن با بزهکار، قهری نه از سر کین بلکه از سر ترس و رنج دارد، منتظر عذرخواهی بزهکار است؛ اما در پارادایم کیفری نه از رؤیت بزهکار و نه از عذرخواهی وی خبری نیست و علاوه بر اینکه ممکن است بزه‌دیده توسط بزهکار برای گذشت از جرم، تهدید شود، با سرزنش و ملامت اطرافیان نیز مواجه خواهد شد.

۴-۲. الگوی ترمیمی؛ به مثابه مدل متناسب

در یک الگوی پاسخ‌دهی منطقی، واکنش به هر بزه باید با توجه به علل و عوامل بزهکاری، شرایط بزهکار، نظر بزه‌دیده و... صورت گیرد. اگر اعتقاد بر این باشد که هسته اصلی بزهکاری سایبری دیجیتال نیتیوها، روابط نامطلوب اجتماعی شدن ناقص و مسئولیت‌گریزی آنها است، پس می‌توان ادعا کرد که پایدارترین راه‌حل‌ها، مداخلات یا پاسخ‌ها به بزهکاری سایبری نوجوانان به جای مجازات باید بر بهبود روابط آنلاین تأکید ورزد؛ زیرا یک مسئله رفتاری ارتباطی که به ارتکاب جرم منجر می‌شود، احتمالاً به یک راه‌حل ارتباطی و گفت‌وگو محور نیاز دارد. چه آنکه همان طور که البوت کری می‌گوید: «ما نیازمند مداخلاتی هستیم که با والاترین ارزش‌های ما همسو هستند.» (Currie, 2013: p. 10) کاربرد عدالت ترمیمی در خصوص بزهکاری یا بزه‌دیدگی سایبری نوجوانان، توجیهات محکمی به جهت تناسب و سنخیت برنامه‌های عدالت ترمیمی با علل بزهکاری و بزه‌دیدگی و توان این برنامه‌ها برای حذف یا کاهش این علل دارد تا جایی که برخی معتقدند عدالت ترمیمی مناسب‌ترین قلمرو اعمال و گسترش خود را در قبال بزهکاری اطفال یافته است (مهرا، ۱۳۹۰: ۱۵۰). دلیل دیگری که کاربرد برنامه‌های ترمیمی در جرائم علیه بزه‌دیدگان نوجوان را توجیه می‌کند، استفاده از ظرفیت اجتماع برای پاسخ به جرائم فضای نامنتاهی سایبر است؛ برنامه‌های ترمیمی که برای پاسخ به جرم، جامعه محلی را نیز درگیر می‌کنند، می‌توانند موجب احساس مسئولیت اجتماعی برای اعضای یک گروه یا شبکه اجتماعی به‌ویژه نسبت به رفتارهای نوجوانان و خنثی‌کننده انفعال کاربران در مقابل رخداد بزه باشند؛ اما واپسین دلیل برای حمایت از اعمال برنامه‌های ترمیمی در واکنش به بزهکاری دیجیتال نیتیوها نوع جرم آنها، یعنی جرائم علیه

۱. گزارش شده است که از نظر بزهکاران، قلدری سایبری «هیجان‌انگیز» یا «سرگرم‌کننده» است:

Barbara Spears et al, *Research on Youth Exposure to, and Management of, Cyberbullying Incidents in Australia: Part C — An Evidence-Based Assessment of Deterrents to Youth Cyberbullying — Appendix A (SPRC Report 12/2014)* (Social Policy Research Centre, UNSW, 2014) 10.

شخصیت معنوی است. مطابق با یافته‌های برخی پژوهش‌ها (غلاملو، ۱۳۹۶: ۶۰۴) اعمال فرآیندهای ترمیمی در تعقیب و تحقیق جرائم علیه شخصیت، بهترین واکنش ممکن است؛ زیرا احتمال ترمیم شخصیت آسیب‌دیده در یک فرآیند تعاملی و مبتنی بر گفت‌و شنود بیشتر از یک واکنش نتیجه‌محور با نتیجه مجازات است. بنا بر آن چه گفته شد همسو با برخی مطالعات (Langos and Sarre, 2015) که برنامه‌های ترمیمی را مفید بزه‌سایبری دانسته‌اند،^۱ می‌توان پارادایم ترمیمی را مجموعه‌ای از برنامه‌های بی‌نظیر برای بزه‌سایبری معرفی کرد. در بیشتر موارد هدف عدالت ترمیمی، ترمیم هم‌زمان وضعیت بزه‌کار و بزه‌دیده و نیز جبران آسیبی است که به جامعه وارد شده است؛ با این حال گرانیگاه منفعت، در برخی برنامه‌های ترمیمی برای بزه‌دیده و در برخی برای بزه‌کار است. برنامه‌های ترمیمی با وجود تفاوت‌هایی که ممکن است در روش و اجرا با یکدیگر داشته باشند، در شنیدن صدای بزه‌دیدگان، پذیرش مسئولیت بزه‌کاران برای شروع فرآیند و درگیر شدن اجتماع برای پاسخ به مسئله جرم، اشتراک دارند. برنامه‌های ترمیمی شناخته‌شده، نظیر میانجی‌گری^۲ و نشست‌های خانوادگی^۳ به رودررویی و مواجهه بزه‌دیده و بزه‌کار می‌انجامد. با این حال برخی برنامه‌ها، نظیر مشاوره همگنان^۴، مشاوره نجات‌یافتگان^۵ و مواجهه بزه‌کاران و بزه‌دیدگان

۱. حتی برخی پژوهشگران اظهار داشته‌اند که: چنانچه به کسانی که هیچ پیشینه‌ای از بسترهای شکل‌گیری عدالت ترمیمی در دست ندارند، گفته شود: «عدالت ترمیمی ابتدا برای پاسخ‌دهی به بزه‌کاری سایبری متولد و سپس از این الگو برای سایر جرائم استفاده شد»، تعجب نخواهند کرد. (محمد کوره پز، ۱۳۹۵: ۸۴) دلیل این ادعا، ویژگی‌های خاص فضای مجازی دانسته شده است.
۲. برای بزه‌دیدگان، اولین و اولی‌ترین مطالبه به رسمیت‌شناخته‌شدن بزه‌دیدگی از گذر شنیده‌شدن است. با دیده انکار و تردید به تجربه قربانیان نگریستن، پایان تلخ رنجی که بر ایشان رفته است را به یک تلخی بی‌پایان در پرتو بزه‌دیدگی ثانویه میدل می‌کند. (ذاکر حسین، ۱۳۹۵: ۴۶) میانجی‌گری برنامه‌ای است که در آن طرفین جرم به صورت مستقیم و با حضور یک میانجی‌گر با یکدیگر وارد گفت‌وگو می‌شوند. با وجود آنکه میانجی‌گری یک برنامه فرآیندمحور است و نتایج آن از پیش تعیین شده نیست، معمولاً به نتایج ملموسی منتهی می‌شود. تحقیقات نشان داده است که بزه‌دیدگانی که در فرآیند میانجی‌گری شرکت می‌کنند، احساس خشم و ترس کمتری را گزارش کرده‌اند. (انگلبرت، ۱۳۹۳: ۱۴۰۷)
۳. نشست خانوادگی، ساختاری است که برای دورماندن جوانان از فرآیندهای ناملازم عدالت کیفری و سوق دادن آن‌ها به سمت ترمیم روابط طراحی شده است. (Sarre, 1999: 11) هدف این نشست‌ها پاسخگو کردن جوانان در برابر جرائمشان به وسیله تشویق آنان به پذیرش مسئولیت اقدامات خود (Alder and Wundersitz, 1994: 7) در محیطی است که درکی از موضوع را برای دیگران فراهم می‌کند. (Newbury, 2008: 137)
۴. مشاوره همگنان (Peer counseling) به‌عنوان روشی برای کمک تعریف می‌شود که از درمیان‌گذاشتن اطلاعات، احساسات و توقعات با کسانی که وضعیت مشابهی را تجربه می‌کنند یا به جهت سنی همدلی بیشتری با فرد دارند استفاده می‌کند. مشاوران همگن معمولاً مشاوران حرفه‌ای نیستند؛ بلکه کاردانی آن‌ها محصول تجربه مشترکی است که با فرد دارند. بزه‌دیدگان سایبری پس از بزه شدیداً به همدلی نیاز دارند. در این بین مشاوران همگن می‌توانند به شیوه تأثیرگذارتری این وظیفه را انجام دهند.
۵. مشاوره نجات‌یافتگان (survivor counseling) نیز به‌عنوان یک شیوه مؤثر شناخته می‌شود. انجمن‌هایی که با عنوان انجمن مشاوره نجات‌یافتگان شناخته می‌شوند، به ارائه مشاوره و راهنمایی توسط مرتکبان یا مبتلایان گذشته به ره‌جویان جدیدالورودی که در معرض بزه‌کارشدن قرار دارند یا مرتکب بزه شده‌اند، می‌پردازند. در این انجمن‌ها بزه‌کاران با درمیان‌گذاشتن اطلاعات، احساسات و توقعات، با کسانی که در گذشته وضعیت مشابهی را تجربه کرده‌اند، بهتر می‌توانند فرآیند بازگشت به وضعیت پیش از جرم را دنبال کنند؛

غیرمرتبط^۱ که درجه بالایی از شاخص‌ها و ارزش‌های عدالت ترمیمی را با خود به همراه دارند، ممکن است به مواجهه بزه‌دیده و بزهکار نینجامد یا صرفاً شرایط را برای این مواجهه فراهم کنند.

۴-۲-۱. تحلیل نظری تأثیر برنامه‌های ترمیمی در فرض بزهکاری نوجوانان

به‌طور کلی نتایج یک مطالعه ده‌ساله نشان می‌دهد که مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های عدالت ترمیمی، در مقایسه با کسانی که جرائم آنان از طریق عدالت کیفری رسمی رسیدگی شده است، ۱۶ درصد کمتر مرتکب جرم شده‌اند (استرنگ، ۱۳۹۶: ۸۷). در خصوص اطفال و نوجوانان، نتیجه همسویی در یک پژوهش که در استرالیا صورت گرفته، به دست آمده است؛ در این پژوهش مشخص شد که برنامه‌های ترمیمی، به مراتب بهتر از رویه‌های رسمی اجرای عدالت، اصلاح بزهکاران صغار را در پی دارد. (Cunningham, 2005) اما در خصوص جرائم سایبری دیجیتال‌نیویوها، داده‌های تجربی خاصی یافت نشد. همان‌طور که پیش‌تر مشخص شد بزهکاری این افراد غالباً در اثر مسئولیت‌گریزی آن‌ها با تمسک به تقصیر بزه‌دیده یا مجازی‌انگاری رفتارها رخ می‌دهد، به همین جهت یک واکنش منطقی به بزه باید بیش از هر چیز ارتقای روحیه مسئولیت‌پذیری در بزهکار را در دستور کار قرار دهد. مواجهه بزهکاران و بزه‌دیدگان غیرمرتبط می‌تواند به‌عنوان گام اولیه و برنامه‌مقدماتی به مسئولیت‌پذیری بیشتر و ایجاد شرم بازپذیرنده در بزهکار منجر شود؛ بزهکاری که برای بزه‌دیدگان غیرمرتبط با خود احساس ترحم می‌کند، بیش از پیش میل به جبران در حق بزه‌دیده‌خویش پیدا می‌کند. پس از این مرحله امکان ملاقات و مواجهه حضوری و دیگر برنامه‌ها فراهم می‌شود. با ملاقات و مواجهه حضوری بزه‌دیده و بزهکار در نشست‌های خانوادگی و میانجی‌گری، این شعار کلیشه‌ای بزهکار نوجوان که رفتارهای مجازی صدمه و قربانی خاصی را به وجود نمی‌آورند، تضعیف می‌شود. همچنین با استماع روایت بزه‌دیده از بزه، بی‌ارزش‌بودن آرمان‌های گروهی پسرانه در مقابل صدمات واردشده به یک انسان، برای بزهکاران آشکار می‌شود و ناگفته پیداست که «احساس شرم» ناشی از این ملاقات‌ها به‌ویژه اگر با حضور خانواده‌های آنان انجام شود، جایی برای فرافکنی باقی نمی‌گذارد. نتایج یک تحقیق تجربی (Langos and Sarre, 2015) نشان داده است از دیدگاه یک قلدر سایبری، یک نشست خانوادگی دستیافت‌های ذیل را در بردارد:

۱. فرصتی برای فاصله‌گرفتن از دادگاه جوانان؛

به‌طور مثال در انجمن معتادان جنسی گمنام (SA) در یک فرآیند مشارکتی، بزهکاران سابق به‌عنوان نجات‌یافتگان امروز، به رهجویان مشاوره می‌دهند و در فرآیندی افقی، این رهجویان را به سلاح «هوشیاری جنسی» و خودکنترلی از گذر شرمساری بازپذیرکننده مجهز می‌کنند.

۱. در این روش هیئتی متشکل از بزه‌دیدگان و بزهکاران که هیچ‌گونه ارتباطی با هم نداشته و تنها ارتباط آنان در اشتراک در نوع جرم است، گرد هم جمع می‌شوند و از علت و آثار بزه با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. ویژگی ممتاز این نشست‌ها، نبودن رابطه یا دشمنی شخصی بین بزه‌دیدگان و بزهکاران است که موجب می‌شود روایت‌های بزه‌دیده و بزهکار به‌خوبی شنیده شود و بیش‌تر بر یکدیگر اثر بگذارد. (بهره‌مند، ۱۳۸۳: ۱۲۸) در این نشست‌ها بزهکاران با لمس درد و رنج بزه‌دیدگان و بزه‌دیدگان با استماع شرایط بزهکاران به توافق با طرف جرم مربوط به خود نزدیک‌تر می‌شوند.

۲. فرصتی برای جلوگیری از تعقیب کیفری و محکومیت بالقوه؛
 ۳. فرصتی برای توضیح اوضاع و احوال ارتکاب جرم؛
 ۴. آگاهی‌هایی در خصوص تأثیری که قلدری سایبری بر بزه‌دیده گذاشته؛
 ۵. فرصتی برای تجربه همدلی با بزه‌دیده از جانب بزهکار؛
 ۶. فرصتی برای وی جهت طلب بخشش از بزه‌دیده؛
 ۷. فرصتی برای پذیرش تعهداتی خاص.
- علاوه بر این، شرکت در انجمن‌های مشاوره نجات‌یافتگان و استماع نظرات کسانی که سابقاً بزهکاری مرتبط داشته‌اند، به بزهکار کمک می‌کند که سریع‌تر به وضعیت پیش از جرم بازگردد. به این ترتیب با اجرای برنامه‌های مذکور، دلایل بزهکاری نوجوانان تا حد قابل قبولی یا دست کم بیش از مواقعی که الگوی کیفر در دستور کار است، متزلزل می‌شوند.
- با تشکیل این نشست‌ها وقتی بزه‌دیده و اطرافیان وی از نزدیک با بزهکار کم‌سن‌وسال مواجه می‌شوند و روایت او را از بزه می‌شنوند، قدری از احساس تنفرشان از بزهکار به تعجب از رفتارهای بدون احتیاط بزه‌دیده تبدیل می‌شود و با استماع اظهار عذر و ندامت بزهکار، قدری از آلام بزه‌دیده و اطرافیان وی التیام می‌یابد. در مواردی که آثار بزه کماکان در رایاسپهر موجود است، مانند مواردی که فیلم، عکس یا محتوای توهین‌آمیز مرتبط با بزه‌دیده هنوز پاک نشده است، محو این آثار و جایگزین کردن فیلم، عکس یا محتوای عذرخواهانه می‌تواند به‌عنوان یکی از شیوه‌های جبران به کار گرفته شود.

۴-۲-۲. تحلیل نظری تأثیر برنامه‌های ترمیمی در فرض بزه‌دیدگی نوجوانان

بزه‌دیدگی سایبری بومی‌های شبکه‌تا حد زیادی محصول غفلت‌ها و بی‌احتیاطی‌های ایشان در رفتارهای مجازی است. با ملاقات بزهکار و با استماع اظهارات او تا حد زیادی از بی‌احتیاطی‌ها و ریسک‌پذیری شخص بزه‌دیده رونمایی می‌شود و هوشیاری سایبری او در تعاملات و رفتارهای بعدی را به دنبال دارد. علاوه بر این‌ها با حضور والدین در برنامه‌های ترمیمی و کشف چرایی رخداد بزه تا حدی از سردرگمی‌های والدین در نحوه تعامل صحیح با فرزندان، کاسته می‌شود. یافته‌های پروژه مطالعات شرمسازسازی بازپذیرنده در کانبرا که تأثیرات فرایند استاندارد دادگاه را در مقایسه با یک نشست خانوادگی بررسی کرد، حاکی از آن است که بزه‌دیدگانی که در نشست‌ها شرکت می‌کنند، از حضور خود در نشست، فراتر از حد انتظار بهره می‌برند.^۱

تحقیقات نشان می‌دهد برنامه‌های عدالت ترمیمی به‌طور چشمگیری احساسات دوگانه و مخرب

1. Heather Strang et al, Experiments in Restorative Policing: Final report on the Canberra Reintegrative Shaming Experiments (RISE) (Regulatory Institutions Network, College of Asia and the Pacific and Australian National University, 2011), Chapter 7.

بزه‌دیدۀ نوجوان، یعنی احساس ترس و احساس خشم را فرو می‌کاهند (کُئلی، ۱۳۹۳: ۵۳۴).^۱ برچسب‌خوردن یک نوجوان به‌عنوان قربانی جرم می‌تواند باعث تداوم آلام ناشی از قربانی شدن شود و ممکن است کاستن از اعتماد به نفس بزه‌دیده را در پی داشته باشد (ردهاوک، ۱۳۹۳: ۱۳۱۶). به این ترتیب بزه‌دیدۀ نوجوان بیش از هر چیز نیازمند فراغت‌یافتن از احساسات متناقض و خورندۀ درونی است. نقش مشاوران همگن در این زمینه بسیار حیاتی است؛ کسانی که به لحاظ موقعیت سنی و تجربه مشترک، سخن بزه‌دیده را خوب می‌شنوند و درد دل‌های او را درک می‌کنند، بهتر می‌توانند به او مشورت دهند و از احساس تنهایی و تکرار شدن بزه‌دیدگی وی بکاهند و اوضاع بزه‌دیده را به حالت پیش از ارتکاب جرم بازگردانند. همچنین به جهت قرابت احساسی و درک متقابل مشاوران همگن و بزه‌دیده، دوستی با این مشاوران جایگزین دوستی با کسانی می‌شود که بسیاری از رفتارهای مخاطره‌آمیز در شبکه‌های اجتماعی از جهت خوشایند آن‌ها صورت می‌گرفت. به این ترتیب یکی از عامل‌های خطر، یعنی فشار اجتماعی که کاربر نوجوان را به سمت بزه‌دیدگی سوق می‌داد، تا حدودی تضعیف می‌شود. پس از استقرار نسبی روحی و روانی بزه‌دیده، مواجهه و رودررویی بزه‌دیده و بزه‌کار، تصویر هیولای بزه‌کار را که در نظر بزه‌دیدۀ نوجوان نقش بسته است، در هم می‌شکند و به این ترتیب ترس اولیه از بزه‌کار برای بزه‌دیدۀ کم‌سن‌وسال تا حد زیادی کاسته می‌شود. با غلبه بر این ترس استماع اظهارات بزه‌کار، خشم بزه‌دیده را که غالباً یک دختر نوجوان است، فرو می‌کاهد^۲ و درک این موضوع برای شخص بزه‌دیده که چه نقشی در بزه‌دیدگی خود داشته است، فراهم می‌آید؛ وی حتی اگر تقصیری برای خود قائل نباشد، به‌خوبی متوجه می‌شود که دست‌های درخواست دوستی که از پنجره مانیتور به سمت او دراز شده‌اند، همیشه قابل اعتماد نیستند و انتشار اطلاعات شخصی در این فضاها صرفاً به سمع و نظر خودی‌ها نمی‌رسد. در برخی موارد پیشگیری از آسیب مجدد به بزه‌دیده نیازمند دستیابی بزه‌دیده و اطرافیان او به برخی اطلاعات رایانه‌ای است. به همین جهت در مواردی که بزه‌کار با توضیح روش ارتکاب جرم و در واقع با راهنمایی بزه‌دیدگان پیرامون ضعف‌های سامانه رایانه‌ای آنان و ارائه اطلاعات مورد نیاز، پشیمانی خود را نسبت به ارتکاب بزه اعلام می‌کند، فرآیند ترمیمی به نتایج رضایت‌بخش و مؤثرتری می‌انجامد (صادقی و میرمجیدی، ۱۳۹۵: ۶۳). همچنین این برنامه‌ها می‌توانند بزه‌دیده و اطرافیان وی را در درک این نکته کلیدی یاری رسانند که تأثیر برخی رفتارهای مجازی، گسترده‌تر از آن است که تصور شود و احتمالاً آثار رفتارهای غلط در فضای مجازی به فضای واقعی هم کشیده می‌شود.^۳

۱. نتایج یک مطالعه پژوهشی نشان داده است که بزه‌دیدگان جرائم سایبری تمایل بیشتری به برنامه‌های ترمیمی دارند تا رسیدگی‌های بلندمدت کیفری. برای دیدن این مطالعه بنگرید به: (صادقی و میرمجیدی، ۱۳۹۵: ۶۳)

۲. چه آنکه اخلاق زنانه اخلاق مراقبت است؛ (اله وردی، ۱۳۹۷: ۱۷) اخلاقی که واقعیت‌ها را به اصول انتزاعی و مجازات‌های اعتباری فرو نمی‌کاهد و با درپیش گرفتن نوعی رفتار مهرورزانه بر عدم خشونت تأکید دارد.

۳. این موضوع یعنی سرایت آثار رفتارهای مجازی به دنیای حقیقی یکی از مؤلفه‌های بنیادین «نظریه انتقال فضا» آقای جایشانکار، جرم‌شناس سایبری و سردبیر ژورنال بین‌المللی جرم‌شناسی سایبری است. برای دسترسی به این نظریه و این ژورنال با دسترسی آزاد رجوع کنید به: <http://www.cybercrimejournal.com>

نتیجه‌گیری

با تعمق در دلایل بزهکاری و بزه‌دیدگی در میان بومی‌های دیجیتال، سه مؤلفه کلیدی قابل استخراج است که بر روند روبه‌تزايد جرم به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی مؤثر است. اولین مؤلفه، نقش شتاب‌دهنده بزه‌دیدگان نوجوان در فرآیند بزه‌دیدگی با «انجام رفتارهای پرمخاطره» در فضای مجازی است؛ آنگاه که بزه‌دیده در گروه‌هایی که با هنجارهای عرفی قانونی جامعه ایرانی هماهنگی ندارند، عضویت می‌یابد، به قلمرو بزه‌دیدگی ورود یافته و هنگامی که درخواست‌های دوستی کاربران ناشناس را بدون بررسی قبول می‌کند، احتمالاً بزهکاران را به قلمرو خویش وارد ساخته است. انتشار اطلاعات، عکس‌ها و محتواهای نامناسب نیز بزه‌دیده را در ویتترین بزه‌دیدگی جای می‌دهد و تنها به فاصله از راه‌رسیدن یک «بزهکار با‌انگیزه» زمان لازم است تا یک کاربر نوجوان از بزه‌دیده‌شدن خود آشفته و هراسان شود. دومین مؤلفه، «مسئولیت‌گریزی بزهکار» نوجوان با توسل به مجازی بودن ارتباط و تقصیر بزه‌دیده است و مؤلفه سوم، «سردرگمی اطرافیان بزه‌دیده» در قبال فعالیت‌های بومی‌های شبکه است.

پاسخ‌ها به بزهکاری و بزه‌دیدگی بومی‌های دیجیتال می‌تواند در دو الگوی متفاوت دنبال شود: الگوی اول که پاسخ‌ها به جرم را بر حسب نوع جرم و تقریباً بدون توجه به بزهکار و بزه‌دیده از پیش تعیین کرده و متصدیان اجرای عدالت را به اعمال کیفرهای تعیین‌یافته در پاسخ به «جرم» برای «هر بزه‌دیده‌ای» و بر علیه «هر بزهکاری» تشویق می‌کند. آنچه که در پارادایم الگوی کیفرمدار اهمیت دارد، قطعیت و حتمیت مجازات است با این پیش‌فرض همیشه غلط که با تغییر در میزان مجازات یا نهایتاً نوع مجازات اصل تناسب نیز رعایت می‌شود؛ در حالی که گاه از اساس، اصل مجازات، صرف‌نظر از نوع و میزان آن، پاسخ متناسبی نیست. این الگو نه به دلایل بزهکاری و بزه‌دیدگی توجه دارد و نه تأمین مطالبات بزه‌دیده و بزهکار و جبران خسارت‌های ناشی از بزه را بر عهده می‌گیرد. به همین جهت هیچ دلیلی وجود ندارد که بتواند پیشگیری از بزه و تکرار آن را در پارادایم کیفری تضمین کند؛ در مقابل در الگوی دوم، یعنی مدل ترمیمی صرفاً روش‌های کشف پاسخ به جرم یعنی میانجی‌گری، نشست‌های خانوادگی، مشاوره همگنان و... از پیش تعیین شده است و با دعوت از بزه‌دیده، بزهکار و جامعه تلاش می‌شود در یک برنامه گفت‌وگومحور پاسخ به بزه در هر مورد به انتخاب آن‌ها تعیین شود. به این ترتیب علاوه بر اینکه جبران خسارت و صدمات و بازگشت به وضعیت پیش از جرم بخشی از نتایج این جلسات است، بزهکار در مواجهه با بزه‌دیده و استماع اظهارات او از توسل به فنون خنثی‌سازی، خلع سلاح می‌شود و مسئولیت‌گریزی وی به «مسئولیت‌پذیری» بدل می‌شود. بزه‌دیده نیز با استماع چرایی و چگونگی وقوع بزه علیه خود به «هوشیاری سایبری» و پرهیز از رفتارهای مخاطره‌آمیز دعوت می‌شود. همچنین از گذر برنامه‌های ترمیمی، بخشی از سردرگمی‌های والدین و انفعال جامعه به‌واسطه شرکت در جلسات ترمیمی و تعهداتی که برای اعاده وضعیت به حالت سابق بر عهده می‌گیرند، برطرف می‌شود.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، محمد (۱۳۸۲) جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، انتشارات گرایش.
۲. ابوذری، مهرانوش (۱۳۹۵) جرم‌شناسی جرائم سایبری، تهران، انتشارات میزان.
۳. استرنگ، هدر (۱۳۹۶) نشست‌های عدالت ترمیمی یافته‌های یک برنامه پژوهشی ده ساله، مترجم: محمد رضوانی، انتشار یافته در دانش‌نامه عدالت ترمیمی، مجموعه مقاله‌های همایش عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان.
۴. اسچرک، کریستوفر (۱۳۹۳) عامل‌های مرتبط با بزه‌دیدگی، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: مهدی مقیمی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۲۳۶-۲۴۶.
۵. انگلبرت، کریستین، (۱۳۹۳) میانجی‌گری میان بزه‌دیده و بزهکار، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: محمد علی اردبیلی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۱۴۰۵-۱۴۰۸.
۶. اله وردی، فرهاد (۱۳۹۷) تأملاتی بر مطالعات جنسیت محور درباره عدالت کیفری، چکیده مقالات دومین همایش دوسالانه بین‌المللی عدالت ترمیمی، عدالت ترمیمی پل ارتباطی میان تمدن‌های جاده ابریشم، زیر نظر: محمد فرجیها، انتشارات میزان.
۷. بهره‌مند، حمید، (۱۳۸۳) عدالت ترمیمی و جلوه‌های آن در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه امام صادق.
۸. توکل، محمد؛ کاظم پور، ابراهیم (۱۳۸۴) دگرگونی‌های اجتماعی در یک جامعه‌ی اطلاعاتی، تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو
۹. جایشانکار، کی، (۱۳۹۵) جرم‌شناسی سایبری؛ بررسی جرائم اینترنتی و رفتار مجرمانه، ترجمه: احسان سلیمی، محمد سعید رستگار، تهران، انتشارات مجد.
۱۰. چایینی، اسپنسر (۱۳۹۳) جرم نگاشت؛ نقشه‌برداری از جرم، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: مهدی مقیمی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۲۶۸-۲۷۲.
۱۱. دانش ناری، حمید؛ شیخ الاسلامی، عباس؛ محمد کوره بز، حسین (۱۳۹۷) تحلیل بزه‌دیدگی جنسی زنان در شبکه‌های اجتماعی: نمونه پژوهشی تانگو، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۲، صص: ۶۵-۱۰۱.
۱۲. ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۹۵) تثبیت بزه‌دیدگی؛ نقطه عزیمت عدالت ترمیمی در نظام عدالت کیفری بین‌المللی، انتشار یافته در چکیده مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان.
۱۳. ردهاوک، شازن (۱۳۹۳) الگوهای بقا، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: تهمورث بشیریه، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۱۳۱۶-۱۳۱۸.
۱۴. رینز، برادفورد، (۱۳۹۳) جنسیت و بزه‌دیدگی؛ دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: علی افراسیابی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۱۲۰۱-۱۲۰۸.
۱۵. صادقی، آزاده؛ میرمجیدی، سپیده (۱۳۹۵) فرآیندهای ترمیمی در جرائم سایبری، انتشار یافته در چکیده مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان.
۱۶. صلاحی، جاوید (۱۳۸۹) بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۱۷. عاملی، سعید رضا (۱۳۹۰) مطالعات جهانی‌شدن؛ دو فضایی شدن‌ها و دو جهانی‌شدن‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۸. عاملی، سعید رضا (۱۳۹۲) روش‌های تحقیق در مطالعات فرهنگی و رسانه، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. عبدی، عباس (۱۳۹۳) تأثیر زندان بر زندانی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۰. غلاملو، جمشید (۱۳۹۶) رویکرد ترمیمی به تعقیب جرائم علیه شخصیت معنوی، انتشار یافته در دانش‌نامه عدالت ترمیمی، مجموعه مقاله‌های همایش عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات میزان.
۲۱. غلامی، حسین (۱۳۹۲) الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶، صص: ۸۹-۱۰۶.
۲۲. غلامی، حسین (۱۳۸۷) تکرار جرم، بررسی حقوقی-جرم‌شناختی، تهران، انتشارات میزان.

۲۳. فتحی، سروش؛ پیراهری، نیر؛ شیرین‌بیان، اعظم (۱۳۹۰) بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نسلی (مورد پژوهش: خانواده‌های شهرستان گرمسار)، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره چهارم، صص: ۱۴۱-۱۶۴.
۲۴. فرینگ، آدرین؛ تایلر، ترانس (۱۳۹۳) **بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان**، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، برگردان: امیر حسین جلالی فراهانی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، صص ۷۱۸-۷۲۰.
۲۵. کردعلیوند، روح‌الدین؛ محمدی، مهدی؛ میرزایی، محمد (۱۳۹۵) **گونه‌شناسی جرائم سایبری در قانون جرائم رایانه‌ای و گزارشی مختصر از وضعیت بزهکاری سایبری با تکیه بر آمار پلیس فتا**، کتاب مجموعه مقالات اولین همایش مقابله با جرائم سایبری؛ چالش‌ها و راهکارها، تهران، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا.
۲۶. کُتلی، ماری (۱۳۹۳) **نشست‌های گروهی خانوادگی، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم**، برگردان: مهدی مقیمی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، صص ۵۳۱-۵۳۴.
۲۷. کوک، کری (۱۳۹۳) **سرزنش بزه‌دیده، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم**، برگردان: امیرحمزه زینالی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۱۳۷۱-۱۳۷۳.
۲۸. مارش، یان؛ گینور، ملویل؛ کیت، مورگان؛ گارت، نوریس؛ زئو، والکینگتن (۱۳۸۹) **نظریه‌های جرم**، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۲۹. متزا، دیوید و سایکز، گرشام (۱۳۹۰)، **فنون خنثی‌سازی کنترل‌های اجتماعی درونی و بیرونی**، ترجمه: حیدر فرهنگدفر، مجله تعالی حقوق، شماره ۱۳ و ۱۴، صص: ۲۰۱-۲۱۳.
۳۰. محمدکوره‌پز، حسین، (۱۳۹۵) **پاسخ‌های ترمیمی به انحراف‌های سایبری در پرتو نظریه شرمسارسازی بازپذیرنده**، انتشار یافته در چکیده مقالات همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم، انتشارات میزان.
۳۱. معظمی، شهلا (۱۳۹۰) **بزهکاری کودکان و نوجوانان**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
۳۲. مهرا، نسرين (۱۳۹۰) **ترميمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ولز**، انتشار یافته در علوم جنایی؛ مجموعه مقالات تجلیل از دکتر آشوری، تهران، انتشارات سمت.
۳۳. ناصرابادی، سید پاشا (۱۳۹۱) سخنرانی در: سمینار آموزشی پیشگیری از سرقت اطلاعات رایانه‌ای، قابل دسترسی در: http://fad.tehran.ir/Portals/0/Document/Sub%20Document/Amalkard/Ham_Andishi/mabahas%20amozesh/garaem1.pdf
۳۴. ویلیامز، ماتیو (۱۳۹۱) **بزهکاری مجازی، بزه، انحراف و مقررات گذاری بر خط**، مترجم: امیرحسین جلالی فراهانی، محبوبه منفرد، تهران، انتشارات میزان.
۳۵. هادیانفر، کمال (۹ اردیبهشت ۹۷) **افزایش ۹۰۰ درصدی جرایم سایبری در ایران / ۲۹۶ حمله جدی به سامانه‌ها و زیرساخت‌های حیاتی داشته ایم** قابل دسترسی در: <http://fna.ir/bm08iq>
۳۶. هالدر، دبارتی؛ جایشانکار، کی، (۱۳۹۵) **شبکه‌های اجتماعی برخط و زنان بزه‌دیده، جرم‌شناسی سایبری**، انتشار یافته در: بررسی جرائم اینترنتی و رفتار مجرمانه، ترجمه: احسان سلیمی، محمد سعید رستگار، تهران، انتشارات مجد.
۳۷. هالدر، دبارتی؛ جایشانکار، کی، (۱۳۹۳) **جرم رایانه‌ای و بزه‌دیدگی زنان؛ قانون‌ها، حق‌ها و مقرره‌ها**، ترجمه: مهرداد رایجیان اصلی، حسین محمد کوره‌پز، احسان سلیمی، تهران، انتشارات مجد.
۳۸. هنسون، بیلی (۱۳۹۳) **مزاحمت در فضای مجازی، دانش‌نامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم**، برگردان: فاطمه قناد، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات میزان، صص: ۳۶۲-۳۶۷.

(ب) انگلیسی

29. Alder, Christine And Wundersitz, Joy (1994) 'New Directions In Juvenile Justice Reform In Australia' In: *Family Conferencing And Juvenile Justice: The Way Forward Or Misplaced Optimism?* Australian Institute Of Criminology.
30. Bernard, h. r. (1998). *Handbook of methods in cultural anthropology*, London & New Delhi: sage publications.

31. Bandura, Arnold, (1991) **'Social Cognitive Theory Of Moral Thought And Action'** In William M Kurtines And Jacob L Gewirtz (Eds), *Handbook Of Moral Behavior And Development*, Lawrence Erlbaum Associates, Vol 1, 86.
32. Barbara, Spears (2014), **Research on Youth Exposure To, And Management Of, Cyberbullying Incidents in Australia: Part C — an Evidence-Based Assessment of Deterrents to Youth Cyberbullying — Appendix** Social Policy Research Centre, Unsw.
33. Citron, K. D. (2009). Cyber Civil Rights. **Boston University Law Review. Vol. 89:61.**
34. Cuningham, tereza (2005) restorative justice and its impact on the re-offending of juveniles in regional and remote Australia: anorthern territory perspective, **doctoral dissertation in central Queensland University.**
35. Currie, Elliott, (2013) **Consciousness, Solidarity and Hope as Prevention and Rehabilitation** 2(2) *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy* 3.
36. Farrington. D (1982) **stepping stones to adult criminal careers.** Presented at the conference on development of antisocial and prosocial behavior in voss, Norway.
37. Hindelang, M. J. Gottfredson, **M. R. & Gaffalo, J. (1978).** Victims of Personal Crime: An Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization. **Cambridge, Ma: Allinger.**
38. Innes, C.A. (1988) profile of state prison inmates, **Bureau of justice statistics, special report. U. S. departement of justice (usg po, ncj-1009926).**
39. Kennedy, Braga; Tita, G. (2002) **New Approaches to the Strategic Prevention of Gang and Group Involved Violence.** In C. R. Huff (Ed.) *Gangs in America* (3rd Ed).
40. Langos, Colette (2013) **Cyberbullying, Associated Harm and the Criminal Law (Phd Thesis, University Of South Australia, pp: 55–60.**
41. Langos, Collete; Sarre, Rick (2015) Responding To Cyberbullying: The Case for Family Conferencing, **Deakin Law Review, Volume 20, No 2, Pp: 299-319.**
42. Mcfarlane, L. & Bocij, P. (2003). An Exploration of Predatory Behavior in Cyberspace: Towards A Typology of Cyber Stalkers. **First Monday, 8. Retrieved From [Http://Fi Rstmonday.Org](http://Firstmonday.Org)**
43. Mckim, J. (2006, July 12). Pimp Pleads Guilty To Prostituting Minor. **Orange County Register. Retrieved From [Http://Www.Ocregister.Com/Ocregister/News/Atoz/Article_1209170.Php](http://Www.Ocregister.Com/Ocregister/News/Atoz/Article_1209170.Php)**
44. Newbury, Alex, (2008) **'Youth Crime: Who's Responsibility?'** *Journal of Law and Society*, 35(1).
45. Patchin, Justin, and Hinduja, Sameer, (2006) **'Bullies Move Beyond the Schoolyard: A Preliminary Look at Cyberbullying'** 4(2) *Youth Violence And Juvenile Justice* 148, 154.
46. Rick Sarre, (1999) **'Restorative Justice: Translating the Theory into Practice'**, 1 *Notre Dame Australia Law Review.*
47. Shrek, C. J. Fisher, B.S (2004) **Specifying the Influence of Family and Peers on Violent Victimization: Extending Routine Activities and Lifestyle Theories**, *Journal of Interpersonal Violence*, 19, 1021-1041.
48. Willard, Nancy (2007) **Cyberbullying and Cyber threats: Responding to the Challenge of Online Social Aggression**, Threats and Distress, Research Press.
49. Wolfgang, M (1972) **delinquency in a birt cohort.** Chicago: university of Chicago press.